

تأثیر سرمایه اجتماعی بر نابرابری درآمدی در استان های ایران

مریم لشکری زاده^۱، یزدان نقدی^۲، سهیلا کاغذیان^۳

چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی اثرات سرمایه اجتماعی بر نابرابری توزیع درآمد در استان های ایران است. برای این منظور از داده های استانی کشور طی سال های (۹۷-۱۳۹۲) استفاده شده است. در این مطالعه از روش پانل دیتا و گشتاورهای تعمیم یافته (Panel GMM) برای بررسی اثر سرمایه اجتماعی بر نابرابری توزیع درآمد استفاده شده است. نتایج حاکی از آن است که در طی دوره مطالعه افزایش سرمایه اجتماعی می تواند به بهبود در نابرابری توزیع درآمد در ایران کمک کند. به عبارت ساده تر، افزایش سرمایه اجتماعی می تواند، به عادلانه تر شدن توزیع درآمد در ایران کمک کند. براساس نتایج این تحقیق هر افزایش ۱۰ درصدی در سرمایه اجتماعی در کشور می تواند ۳/۹ درصد از نابرابری در توزیع درآمد را کاهش دهد. جالب است بدانیم که از بین متغیرهای تورم، نرخ بیکاری، درآمد مالیاتی و سرمایه اجتماعی متغیر سرمایه اجتماعی بیشترین تأثیر را بر نابرابری توزیع درآمد در کشور داشته است. بنابراین توصیه می شود که دولت ها برای افزایش سرمایه اجتماعی تلاش بیشتری کنند. برای این منظور و برای تقویت سرمایه اجتماعی، تقویت زیر ساخت های فرهنگی و اجتماعی، ارتقای انگیزه های مشارکت طلبی و افزایش حس میهن دوستی و بهبود در شرایط اقتصادی و رفاهی مردم باید توسط دولت ها مد نظر قرار گیرد.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، نابرابری توزیع درآمد، Panel GMM.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۱۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۴/۰۴

^۱ استادیار گروه اقتصاد، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (Email: lashkarizadehm@yahoo.com)

^۲ استادیار، واحد فیروزکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Email: y_naghdi@yahoo.com)

^۳ استادیار گروه اقتصاد، واحد فیروزکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Email: skaghazian@hotmail.com)

مقدمه

امروزه نقش و اهمیت سرمایه اجتماعی و اثرگذاری چشمگیر آن بر ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی باعث شده است تا این مفهوم به یکی از موضوعات قابل توجه صاحبان مسائل اقتصادی تبدیل شود و متناسب با آن دیدگاه‌ها و نظریات متعددی نیز در حوزه تعاریف، مدل‌ها و ابزارهای سنجش سرمایه اجتماعی و عوامل موثر بر آن مطرح شده است. در واقع روند تحولات سرمایه اجتماعی در ایران با توجه به ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر آن به عنوان یکی از موضوعات بحث برانگیز در عرصه مباحث اقتصادی به شمار می‌رود. یکی از مقوله‌های مهم اجتماعی که در معرض تاثیر مستقیم و غیرمستقیم مسیر اقتصادی قرار می‌گیرد، وضعیت تحصیل یا آموزش، بهداشت و درمان، اشتغال، فقر و درآمد افراد جامعه است. تغییر در توزیع درآمد و فرصت‌ها و میزان کاهش فقر، بازتاب مجموعه‌ای از تعامل سیاست‌ها و نهادهاست (قدسی راد و همکاران، ۱۳۹۸: ۸).

در خصوص اثرگذاری میزان درآمد بر سرمایه اجتماعی دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاه اول این است که افراد دارای درآمدهای بالاتر آشنایی بیشتری با فعالیت‌های انجمنی و مشارکت‌جویانه و مزایای حاصل از آن‌ها دارند و این امر آن‌ها را ترغیب به مشارکت بیشتر کرده و به تبع آن باعث تقویت سرمایه اجتماعی می‌شود. دیدگاه مقابل عنوان می‌کند که هزینه فرصت افرادی که درآمد بالاتری دارند بیشتر است در نتیجه افزایش مشارکت آن‌ها مشروط به بالا بودن منافع مشارکت و جبران این هزینه است. علاوه بر این، افراد با درآمد بالاتر می‌توانند آنچه را که از طریق فعالیت مشارکت طلبانه به دست می‌آید به راحتی با پول به دست آورند (برم و ران، ۱۹۹۷). علاوه بر این، هنگامی که به دلیل رفاه و فراوانی، کمک دولت، یا عامل دیگری، افراد کمتر به یکدیگر نیاز داشته باشند، سرمایه اجتماعی کمتری ایجاد می‌شود (کلمن، ۱۳۷۷). همچنین نابرابری درآمد و افزایش بیکاری، باعث کاهش اعتماد می‌شود و فشارهای اقتصادی باعث می‌شود افراد در تعاملات و رفتارهای خود با دیگران، آن‌ها را به عنوان رقیب خود تلقی کنند نه هم‌تا و همکار خود. لذا افزایش شکاف درآمدی و بیکاری به تضعیف سرمایه اجتماعی منجر خواهد داشت. تورم نیز به عنوان یکی از نمادهای ثبات اقتصادی به طرق مختلفی بر سرمایه اجتماعی تاثیر می‌گذارد. از یک طرف با تحت تاثیر قرار دادن ثروت واقعی و قدرت خرید مردم توان و کیفیت مشارکت آن‌ها را در امور اجتماعی متاثر می‌کند و از طرف دیگر از آن جا که در اثر تورم، شکاف درآمدی و ثروت بین فقرا و ثروتمندان بیشتر می‌شود، سرمایه اجتماعی نیز تضعیف می‌شود. همچنین تورم می‌تواند زمینه‌های اعتماد مردم به دولت و سیاست‌های آن را رقم بزند به گونه‌ای که تورم بالاتر بی‌اعتنایی بیشتر مردم به دولت را منجر خواهد شد (ابوالقاسم مهدوی، ۱۳۹۷: ۷). در مطالعه حاضر طی دوره (۹۷-۱۳۹۲) با استفاده از روش پانل دیتا و مدل گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که آیا افزایش سرمایه اجتماعی نابرابری درآمدی در استان‌های ایران را کاهش می‌دهد یا خیر؟

برای این منظور از متغیرهای سرمایه اجتماعی، ضریب جینی به عنوان شاخصی برای نشان دادن نابرابری درآمدی، تولید ناخالص داخلی، نرخ بیکاری، مالیات بر درآمد و شاخص قیمت‌ها به عنوان معیاری برای تورم در ۳۱ استان ایران استفاده شده است.

ادبیات تحقیق و چارچوب نظری

امروزه در کنار سرمایه‌های انسانی، مالی و فیزیکی، سرمایه دیگری به نام سرمایه اجتماعی^۱ تعریف شده است. این مفهوم به پیوندها و ارتباطات میان اعضای یک شبکه به عنوان منبع با ارزش اشاره دارد که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف اعضا می‌شود. سرمایه اجتماعی، ارتباطات فرهنگی و اجتماعی درون جوامع، هنجارها و ارزش‌هایی را که بین مردم رواج داشته و همچنین نهادهایی که به فعالیت مشغول هستند در بر می‌گیرد.

بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی به ارزیابی دقیقتر عملکرد اقتصادی کمک می‌کند. بدون توجه به عوامل محیطی و اجتماعی حاکم بر جوامع مختلف، برنامه ریزی‌های اقتصادی موجب فاصله گرفتن تئوری‌ها از دنیای واقعی شده و در برخی موارد به نتایج

^۱ Social Capital

معکوسی غیر از آنچه مدنظر بوده است، منجر خواهد شد. سرمایه اجتماعی یک مفهوم چند وجهی است و ادبیات موجود بر پایه روش ها و تئوری های متعددی بنا شده است. در سالهای اخیر توافق عمومی ایجاد شده نشان میدهد که سرمایه اجتماعی یک مفهوم ساختاری^۱ و شناختی^۲ دارد.

"سرمایه اجتماعی شناختی" در رابطه با پدیده هایی نظیر ارزش ها، نگرش ها، تعهدات، مشارکت، اعتماد موجود در سیستم اجتماعی سازمان است و «سرمایه اجتماعی ساختاری» در رابطه با ساختارها و فرایندهای مدیریتی نظیر پاسخگویی مدیران و رهبران در قبال عملکرد خود، شفافیت در تصمیمگیری و اقدام براساس کارگروهی است (حق شناس، ۱۳۸۶: ۱۸۸).

از سرمایه اجتماعی تعاریف متعددی ارائه شده است، یکی از تعاریف مطرح این است که سرمایه اجتماعی مجموعه هنجارهای موجود در سیستم اجتماعی است که ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه و کاهش سطح هزینه های مبادلاتی^۳ را به دنبال دارد. (فوکوما، ۱۹۹۹) براساس این تعریف، مفاهیمی نظیر جامعه مدنی و نهادهای اجتماعی نیز دارای ارتباط مفهومی نزدیکی با سرمایه اجتماعی میباشند.

کلمن (۱۹۹۶)، سرمایه اجتماعی را به این صورت تعریف میکند: سازمان اجتماعی، سرمایه اجتماعی را تشکیل میدهد و سرمایه اجتماعی رسیدن به اهداف و آرمان هایی را محقق میسازد که بدون وجود سرمایه اجتماعی دستیابی به آن غیر ممکن یا پرهزینه خواهد بود. واژه سرمایه دلالت میکند که سرمایه اجتماعی همانند سرمایه انسانی و اقتصادی ماهیتی زاینده و مولد دارد و بدون توجه به آن دسترسی به اهداف امکانپذیر نمی باشد.

گروه ذینفع سرمایه اجتماعی که موسسه ای وابسته به دانشگاه نبراسکا-لینکن در آمریکا میباشند، سرمایه اجتماعی را چنین تعریف میکنند:

همانطور که منشا سرمایه مالی، سرمایه انسانی و سرمایه فیزیکی به ترتیب بازارهای مالی، تحصیلات و افزایش مهارت ها و کالاهای فیزیکی است که در فرآیند تولید استفاده میشوند، منشا سرمایه اجتماعی، جامعه و روابط اجتماعی می باشد.

در مجموع میتوان گفت که سرمایه اجتماعی عبارت از تاثیر اقتصادی حاصل از تسهیلاتی است که شبکه های اعتماد و مولفه های فرهنگی در یک سیستم اجتماعی به وجود می آورند. به عبارت دیگر هماهنگ کردن فعالیت ها براساس هنجارهای غیر رسمی جهت دستیابی به رشد اقتصادی پایدار از طریق تقویت سرمایه اجتماعی امکانپذیر است، چرا که هر چه انعقاد قراردادها سهل تر باشد و طرفین از انجام آن مطمئن تر باشند هزینه مبادله پایین تر است و رشد و توسعه اقتصادی تقویت می شود (میرشجاعی، ۱۳۸۸).

هر چند تعاریف متعدد و متفاوتی از سرمایه اجتماعی در متون اقتصادی ارائه شده است، اما وجه مشترک تمام این تعاریف، اشاره به سرمایه اجتماعی به عنوان مجموعه ای از شبکه ها، هنجارها و ارزش ها دارد که موجب تسهیل همکاری درون گروهی و برون گروهی می شود (موید فر و رنانی، ۱۳۹۰).

بروز عامل سرمایه در سه شکل بنیادی امکان پذیر است: الف - سرمایه اقتصادی که قابلیت تبدیل به پول را دارد و ممکن است در شکل حقوق مالکیت نهادینه شود؛ ب - سرمایه فرهنگی که در شرایط معین، قابلیت تبدیل به سرمایه اقتصادی را دارد و ممکن است به شکل کفایت های آموزشی نهادینه شود؛ ج - سرمایه اجتماعی که از الزامات اجتماعی (ارتباطات) ساخته شده است و در شرایط معین، قابلیت تبدیل به سرمایه اقتصادی را دارد (سپهر دوست و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۹).

متون اقتصاد نشان می دهد تهی شدن یک جامعه از سرمایه اجتماعی منجر به ناکارآمدی بسیاری از سیاستها در حوزه های برنامه ریزی میشود؛ چرا که سرمایه ی اقتصادی، طبیعی، فیزیکی، دانش فنی و حتی سرمایه ی انسانی در بستر وجود سرمایه ی اجتماعی بروز و

¹ Structural

² Cognitive

³ Transaction

ظهور می یابند و کارآمدی و تحقق، یا عدم کارآیی و اثربخشی آنها بسته به میزان سرمایه‌ی اجتماعی هر جامعه است. به تعبیری سرمایه‌ی اجتماعی در هر جامعه، تابعی از موجودی فضیلت‌های اخلاقی آن جامعه است که به همه‌ی سطح کلان (دولت و نهادهای حکومتی)، میانه (حکومت‌های محلی، سازمان‌ها و نهادهای مدنی)، خرد (رفتار فردی) ارتباط دارد (حیدری ساریان، ۱۳۹۷: ۱۲۶). با توجه به نکات مطرح شده می‌توان اذعان داشت که در کنار سایر عوامل اقتصادی - اجتماعی تاثیر گذار بر متغیرهای اقتصادی، توجه به سرمایه اجتماعی و تاثیر آن بر تولید ملی و توزیع مناسب تر درآمد در جامعه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

در ادبیات علم اقتصادی، عوامل موثر بر توزیع درآمد به دو دسته‌ی کلی تقسیم می‌شوند: دسته اول شامل عوامل مربوط به خصوصیات شخصی افراد نظیر سن، تحصیلات و مهارت، موقعیت شغلی، موقعیت اجتماعی، جنسیت و دارایی است؛ و دسته دوم نیز شامل عواملی است که به چگونگی ساختار اقتصادی - اجتماعی نظیر رشد تولید، سطح اشتغال، تورم، بازار پول و سرمایه، تخصیص منابع، عملکرد برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی دولت، و وجود سرمایه اجتماعی در جامعه مربوط می‌شود. البته بیش از عوامل دسته اول، توجه برنامه ریزان به عوامل دسته دوم معطوف بوده است (نجار زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۸).

در ارتباط با عملکرد برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی دولت و تاثیر آن بر بهبود تخصیص منابع، اشتغال مناسب و برابری بیشتر در توزیع درآمد، این موضوع را می‌توان تا حد زیادی ناشی از درجه اعتماد سازی بین سازمان‌های دولتی و سایر ارکان تصمیم‌گیری در جامعه دانست که خود به وجود سرمایه اجتماعی و تشکیل گروه‌های اجتماعی اشاره دارد. از دیدگاه رابینسون و همکارانش (۲۰۰۲)، وجود سرمایه اجتماعی در یک جامعه باعث بالا رفتن سطوح اعتماد در بین افراد و گروه‌ها و افزایش مشارکت‌های فردی خواهد شد و در توابع مطلوبیت فردی گروه‌های موجود تغییر ایجاد می‌کند (سپهر دوست و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۴). در همین ارتباط الوانی و شیروانی (۱۳۸۲)، ضمن با اهمیت خواندن موضوع سرمایه اجتماعی به مثابه یک اصل محوری در فرایند رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی، بیان می‌کنند، که در صورت فقدان سرمایه اجتماعی، سایر منابع سرمایه‌ای نیز اثر بخشی خود را از دست می‌دهند. بررسی‌های متعدد در ارتباط با سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که هرچه سرمایه اجتماعی بالاتر باشد، محیطی امن و با ثبات برای سرمایه‌گذاری و پس انداز، مشارکت بالای مردم در تدبیر امور، ثبات و توافق نسبی در برنامه ریزی و سیاست‌ها، فرصت‌های گسترده‌تر برای سطوح بالاتر تحصیلات در کشورها فراهم می‌شود که همه این امور ثبات اقتصادی و کاهش نابرابری درآمدی را در جامعه به همراه خواهد داشت. بنابراین، انتظار می‌رود با فقدان سرمایه اجتماعی، نابرابری درآمدی نیز افزایش یابد (هادی زاده، ۱۳۹۸: ۱۵۰).

از دیدگاه نظری، چگونگی ارتباط بین شاخص تورم و توزیع درآمد به طور کامل شفاف نیست. به باور بالیر و گلد (۱۹۹۵)، معمولاً در جامعه، درآمد نسبی کارگرانی که از درآمد خود در برابر تغییر سطح قیمت‌ها محافظت می‌کنند (کارگران درونی)، نسبت به گروهی که از درآمدشان محافظت نمی‌کنند (کارگران بیرونی)، افزایش می‌یابد و توزیع درآمد نابرابر تر می‌شود؛ همچنین، عمدتاً سیاست‌های دولتی شامل گرفتن مالیات از ثروتمندان و انتقال آن به فقرا برای کاهش فقر در گروه کارگران بیرونی و جلوگیری از شکاف توزیع درآمد ناشی از تورم نارساست. با این همه، افرادی نظیر بلانک و بلایندر (۱۹۸۶)، بر این باورند که نرخ تدریجی و پایداری از تورم می‌تواند بر اوضاع اقتصادی از جمله کاهش سطح بیکاری و توزیع مناسب تر درآمد اثر مثبت داشته باشد.

یافته‌های علمی در ایران حکایت می‌کند که با افزایش میزان نقدینگی در دست مردم ناهنجاری اجتماعی در کشور افزایش یافته و امنیت و سرمایه اجتماعی کاهش می‌یابد. این وضعیت بیش از هر چیز به دلیل ارتباط میان نقدینگی بر میزان تورم و آثار و پیامدهای اجتماعی تورم در ایران است (سیده لیلی موسوی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۰۱).

تأثیر بیکاری بر افزایش ناهنجاری اجتماعی و بزهکاری را می‌توان از دو منظر بررسی کرد. از بعد اقتصادی، بیکاران را کسانی تشکیل می‌دهند که مشکل مالی یا تأمین امرار معاش دارند، از این رو، مرتکب جرایم و بزهکاری میشوند. از این منظر بیکاری همواره یکی از شاخص‌های بحران اقتصادی در مطالعات جرم‌شناسی بوده است.

مطالعات گذشته، مانند مطالعه فراملی فورم در ۱۹۷۵ و کائو در ۲۰۰۴، بر ناهنجاری نشان داد بیکاری نیز مانند متغیرهایی چون سن و جنسیت بر ناهنجاری افراد اثرگذار است و بیکاران بیشتر از افراد دارای شغل به ناهنجاری های اجتماعی گرایش دارند. بسیاری از محققان علوم اجتماعی بیکاری و جرم و تبهکاری را دست در دست یکدیگر می دانند. نتایج این مطالعات نشان می دهد میان منافع اقتصادی و سطوح تبهکاری رابطه ای منفی وجود دارد. به این ترتیب روشن می شود تغییرات و رشد سه متغیر کلان اقتصادی، یعنی حجم نقدینگی و میزان تورم و میزان بیکاری، پیامدهای منفی متعددی به ویژه در زمینه تشدید ناهنجاری های اجتماعی دارد (سیده لیلا موسوی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۰۸).

در ارتباط با تاثیر عامل رشد تولید بر توزیع درآمد، بررسی اثر رشد و توسعه بر روند نابرابری درآمدی با پژوهش کوزنتس^۱ در ۱۹۹۵ آغاز شد. براساس فرضیه کوزنتس، نابرابری در توزیع درآمد طی مراحل اولیه رشد اقتصادی افزایش می یابد، در میان مدت هم تراز می شود و در بلند مدت کاهش می یابد. در این رابطه، دو عامل بر افزایش نابرابری در سطحی معین از توسعه اقتصادی طی زمان موثر است؛ از یک سو، تمرکز پس انداز در دست بالاترین گروه های درآمدی و از سوی دیگر، ساختار اشتغال به صورت فرآیند صنعتی شدن و شهر نشینی (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰). فرضیه کوزنتس ارتباط بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد را به شکل U وارونه بیان می کند (حمید سپهر دوست و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۵).

مطالعات خارجی و داخلی بسیاری در شرایط مختلف زمانی و مکانی با هدف شناسایی عوامل اقتصادی - اجتماعی موثر بر سطح نابرابری توزیع درآمد در سطح بین المللی، ملی و منطقه ای انجام گرفته است که به برخی از آن ها اشاره خواهد شد.

پرنته^۲ (۲۰۱۹)، در مطالعه ای تحت عنوان "نابرابری و سرمایه اجتماعی در اتحادیه اروپا" به بررسی رابطه بین این دو متغیر پرداخته است. این مطالعه برای ۱۵ کشور در اتحادیه اروپا انجام شده است. بر اساس این مطالعه بین سرمایه اجتماعی (اعتماد مردم به حکومت) و نابرابری توزیع درآمد رابطه معکوس وجود دارد. یعنی با افزایش سرمایه اجتماعی نابرابری در توزیع درآمد در اتحادیه اروپا کاهش می یابد. همچنین طبق نتایج این تحقیق شبکه های اجتماعی و گسترش آن نیز موجب افزایش اعتماد در جامعه می شود. این اعتماد نیز خود موجب افزایش سرمایه اجتماعی و کاهش نابرابری در اتحادیه اروپا می شود. به گونه ای که مطالعه تاثیر شبکه های اجتماعی بر سرمایه اجتماعی حتی بیشتر از اعتماد و اطمینان مردم نسبت به حکومت بر میزان کاهش نابرابری در اتحادیه اروپا تاثیر گذار است. لیو^۳، وی^۴ و سیمون^۵ (۲۰۱۷)، در مطالعه ای تحت عنوان "سرمایه اجتماعی، نژاد و نابرابری درآمدی در آمریکا"، به بررسی رابطه بین این دو متغیر پرداخته اند. براساس نتایج این تحقیق افزایش سرمایه اجتماعی در آمریکا می تواند به کاهش نابرابری درآمدی در این کشور منجر شود. به گونه ای که تنوع نژادی در آمریکا یکی از عوامل نابرابری در توزیع درآمد است. در بین افراد ساکن در آمریکا سیاه پوستان نسبت به سعید پوستان سهم کمتری از درآمد ملی را در اختیار دارند. به طوری که در ایالت های با تعداد افراد سیاه پوست بیشتر نسبت به ایالت های دیگر نابرابری توزیع درآمد بسیار بیشتر است.

کیم و کانگ^۶ (۲۰۱۳) و اکلیندر-فریک، اریکسن و هالن^۷ (۲۰۱۴) به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با نوآوری و کارآفرینی پرداختند. نتایج مطالعات ایشان حاکی از آن است که نوآوری، خلق و استفاده از دانش ایده جدید یک فعالیت اجتماعی است که بستگی به تعاملات رودررو، سرریز شدن دانش و تشریک مساعی دارد که در جوامع با سرمایه اجتماعی بالاتر، آسان تر صورت می گیرد.

¹ Kuznet

² Parente

³ Liu

⁴ Wie

⁵ Simon

⁶ Kim & Kang

⁷ Eklinder-Frick, Erikson & Hallen

آنکورنا و آنجوس^۱ (۲۰۰۸) و آلگان و کاهوک^۲ (۲۰۱۰) به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با سرمایه گذاری و رشد و توسعه اقتصادی پرداختند و نشان دادند سرمایه اجتماعی با ایجاد و گسترش اعتماد در جامعه و فراهم آوردن محیطی امن و با ثبات، پس انداز و سرمایه گذاری در جامعه را تشویق و تسهیل می کند و انگیزه سرمایه گذاران را افزایش می دهد که منجر به رشد و توسعه اقتصادی می شود. مطالعات مربوط به سرمایه اجتماعی مورد توجه محققان داخلی نیز بوده است. به طوریکه:

حمید رضا قدسی راد و همکاران در مطالعه ای تحت عنوان، "تاثیر توسعه اقتصادی بر نابرابری اجتماعی در کلان شهر تهران" با استفاده از شاخص هایی مانند، اختلاف درآمد سرانه، دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی در کلان شهر تهران و تاثیرش بر میزان توسعه یافتگی با استفاده از روش اسنادی و آماری طی دوره (۹۰-۱۳۸۵) به این نتیجه رسیده اند که: بین توسعه یافتگی و میزان نابرابری اجتماعی در تهران رابطه معنی داری وجود ندارد و این یعنی، کلان شهر تهران در مراحل ابتدایی توسعه اقتصادی می باشد. سیده لیلا موسوی و همکاران در مطالعه ای با عنوان "تاثیر متغیرهای کلان بر سرمایه اجتماعی در ایران" به دنبال پاسخ به این سوال بوده اند که: آیا تغییر در متغیرهای کلان اقتصادی بر سرمایه اجتماعی در ایران تاثیر گذار است یا خیر؟ نتایج مطالعه نشان می دهد، طی بازه سال های (۹۲-۱۳۷۶) تغییرات منفی در متغیرهای اقتصاد کلان سبب تضعیف هنجارهای اجتماعی و به دنبال آن تضعیف سرمایه اجتماعی خواهد شد.

آرش هادی زاده در مطالعه ای با عنوان "بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر درآمد مالیاتی استان های ایران با استفاده از رویکرد پانل دیتا" طی دوره (۹۴-۱۳۶۸) با معرفی شاخص سرمایه اجتماعی بر گرفته از روش فوکویاما، به بررسی تاثیر اجتماعی بر درآمدهای مالیاتی می پردازد. نتایج نشان می دهد، سرمایه اجتماعی، تولید ناخالص داخلی سرانه و ضریب جینی تاثیر مثبت و معنی دار و سرانه ارزش افزوده بخش کشاورزی و نرخ بیکاری تاثیر منفی و معنی دار بر درآمد مالیاتی استان های ایران دارد. محمد باقر بهشتی و همکاران طی دوره (۹۷-۱۳۹۳)، با استفاده از روش پانل دیتا، به شناسایی عوامل موثر بر نابرابری درآمدی بین استان های ایران پرداخته اند. نتایج نشان می دهد، بین شاخص های مزیت نسبی در صادرات کالاهای صنعتی، ضریب پراکندگی هزینه های بودجه سرانه دولت، ضریب تمرکز فعالیت های صنعتی و مزیت نسبی در صنعت هتلداری با شاخص نابرابری درآمدی رابطه مثبت برقرار است.

مطالعات بسیار دیگری در زمینه سرمایه اجتماعی صورت گرفته است که می توان به صورت زیر دسته بندی نمود: مطالعات صورت گرفته، در خصوص توسعه مالی بر توزیع درآمد و نابرابری درآمدی، توسط منیره دیزجی و همکاران (۱۳۹۴) و مجید صامتی و همکاران (۱۳۹۱)، نشان می دهد که برای کشورهای درحال توسعه با درآمد بالاتر از میانگین منحنی U معکوس کوزنتس برای رابطه بین توسعه مالی و درآمد سرانه و برای کشورهای توسعه یافته، مجذور توسعه مالی در قسمت نزولی U معکوس قرار دارد. همچنین در کشورهای با درآمد سرانه متوسط، فرضیه U وارون رد و رابطه خطی و منفی بین توسعه مالی و نابرابری وجود دارد.

سایر مطالعات که از زوایای مختلف تاثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی، درآمد و متغیرهای اقتصادی را مورد بررسی قرار داده اند، وکیل حیدری ساربان (۱۳۹۷)، سید نظام الدین مکیان و همکاران (۱۳۹۷)، حمید سپهر دوست و همکاران (۱۳۹۲)، رضا نجارزاده و همکاران (۱۳۹۱) و مهدی صفدری و همکاران (۱۳۸۷)، که در تمامی این مطالعات افزایش سرمایه اجتماعی سبب رشد تولید و افزایش رفاه در جامعه شده است.

اما در کمتر مطالعه ای تاثیر سرمایه اجتماعی بر نابرابری درآمدی در استان های ایران مورد توجه قرار گرفته است. در این مطالعه تلاش بر این است که به بررسی ارتباط بین این دو متغیر پرداخته شود.

¹ Anchorena & Anjos

² Algan & Cahuc

در مطالعه حاضر طی دوره (۹۷-۱۳۹۲) با استفاده از روش پانل دیتا و مدل گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که آیا افزایش سرمایه اجتماعی، نابرابری درآمدی در استان های ایران را کاهش می دهد یا خیر؟ برای این منظور از متغیرهای سرمایه اجتماعی، ضریب جینی به عنوان شاخصی برای نشان دادن نابرابری درآمدی، تولید ناخالص داخلی، نرخ بیکاری، مالیات بر درآمد و شاخص قیمت ها به عنوان معیاری برای تورم در ۳۱ استان ایران استفاده شده است.

روش پژوهش

با توجه به مبانی نظری و مطالعات تجربی انجام شده در زمینه متغیرهای کلان و سرمایه اجتماعی، مطالعه حاضر به آزمون فرضیه تاثیر سرمایه اجتماعی بر نابرابری درآمدی در استان های ایران در کنار سایر عوامل اقتصادی می پردازد.

به منظور برآورد تاثیر سرمایه اجتماعی بر نابرابری درآمدی استان های ایران، مدل مطابق معادله (۱)، به صورت زیر تصریح می شود:

$$\log(Gini) = f(\log(SC), \log(un), \log(P), \log(RT), \log(GDP)) \quad (1)$$

که در آن، $\log(Gini)$: لگاریتم ضریب جینی به عنوان شاخصی برای نابرابری توزیع درآمد، $\log(SC)$: لگاریتم شاخص سرمایه اجتماعی در هر استان، $\log(un)$: لگاریتم نرخ بیکاری، $\log(P)$: لگاریتم شاخص قیمت ها، $\log(RT)$: لگاریتم درآمد مالیاتی و $\log(GDP)$: لگاریتم تولید سرانه است. اطلاعات فوق برای ۳۱ استان کشور طی دوره (۹۷-۱۳۹۲) و بر اساس آمارهای موجود در مرکز آمار و گزارش های سالانه بانک مرکزی گردآوری شده است. در ارتباط با داده های فوق ذکر چند نکته ضروری است: از بین شاخص های متعدد سنجش توزیع درآمد نظیر شاخص تایلر، شاخص اتکینسون، نسبت چندک های درآمدی و شاخص عملیاتی نسبت بیستک پردرآمد به بیستک کم درآمد، از شاخص ضریب جینی برای نشان دادن نابرابری توزیع درآمد و متغیر وابسته بهره گیری شده است. ضریب جینی، شاخصی است که بین صفر و یک تغییر می کند و با توجه به ارتباط نزدیک آن با منحنی لورنز، هرچه به صفر نزدیک تر باشد، نشان دهنده ی برابری توزیع درآمد و هرچه به یک نزدیک باشد، نابرابری توزیع درآمد را نشان می دهد. به عبارتی هرچه ضریب کوچک تر باشد یعنی توزیع درآمد در کشور برابر تر است.

در بین متغیرهای مطرح شده در مدل، سرمایه اجتماعی یکی از چالش برانگیزترین متغیرهاست که نیاز به توضیح بیشتری دارد. سرمایه اجتماعی از آن جهت که یک مفهوم کیفی است مانند سایر متغیرهای کیفی برای اندازه گیری با کمی سختی مواجه است. به طور کلی برای سنجش سرمایه اجتماعی دو روش مستقیم و غیر مستقیم وجود دارد. در روش مستقیم که توسط صاحب نظرانی چون کلمن و پاتنام مورد استفاده قرار گرفته است برای سنجش سرمایه اجتماعی از معیارهایی چون اعتماد و مشارکت استفاده می شود. اما در روش غیر مستقیم که فوکویاما^۱ (۱۹۹۷)، مطرح کرده است می توان با استفاده از علائمی که در نبود سرمایه اجتماعی ظاهر می شوند به برآورد سرمایه اجتماعی پرداخت (ابوالقاسم مهدوی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۵).

در مطالعه حاضر با پیروی از فوکویاما، برای اندازه گیری سرمایه اجتماعی از روش معکوس استفاده شده است، یعنی شاخصی که فقدان سرمایه اجتماعی را نشان می دهد. برای پروکسی کردن سرمایه اجتماعی، چهار متغیر متوسط قتل عمد به ازای هر هزار نفر، متوسط تصادفات درون شهری به ازای هر هزار نفر، متوسط تعداد سرقت از اماکن به ازای هر هزار نفر و متوسط مواد مخدر کشف شده به کیلوگرم به ازای هر هزار نفر در هر استان استفاده شده است. مقادیر کمتر شاخص به دست آمده نشان دهنده ی سطح بالاتر سرمایه اجتماعی و بالعکس است.

برای برآورد مدل ابتدا داده های پانل استانی جمع آوری و سپس، برای تخمین ضرایب مدل پانل به شکل رابطه (۲)، و نرم افزار Stata استفاده شده است.

$$\log Gini_{i,t} = \beta_{it} + \beta_1 \log SC_{it} + \beta_2 \log un_{it} + \beta_3 \log P_{it} + \beta_4 \log RT_{it} + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

¹ Fukuyama

داده های مطالعه حاضر محدود به ۶ سال و ۳۱ استان کشور است، که برای تخمین از داده های ترکیبی استفاده شده است. بدیهی است که استفاده از داده های پانل باعث کاهش هم خطی و خودهمبستگی می شود (گجراتی، ۱۳۸۹: ۱۱۴۳).

یافته ها

با توجه به اینکه متغیرهای تحقیق در سطح ایستا نبوده اند برای جلوگیری از ایجاد رگرسیون کاذب و نتایج غیر واقعی، از روش پانل GMM که یکی از روش های هم گرایی در داده های ترکیبی است استفاده شده است. در این مطالعه متغیر تولید ناخالص داخلی (GDP)، به عنوان متغیر ابزاری جهت برآورد مدل استفاده شده است.

جدول (۱): نتایج برآورد مدل تحقیق (متغیر وابسته لگاریتم ضریب جینی)

متغیرها	ضرایب	آماره Z	Prob
جزء ثابت	۰/۱۳	۳/۸۵	۰/۰۰
log SC	۰/۳۹	۲/۰۶	۰/۰۴
log un	۰/۰۰۸	۱/۷۵	۰/۰۳
log P	-۰/۰۰۵	-۱/۲۲	۰/۲۲
log RT	-۰/۰۷	-۲/۲۲	۰/۰۲
$\bar{R}^2 = ۰/۵۹$		D.W = ۱/۹۸	

منبع: محاسبات محقق

در مدل های پانل GMM جهت بررسی کفایت روش تخمین و جهت بررسی صحت متغیر ابزاری، از آزمون سارگان^۱ استفاده می شود. که از تابع آزمون J به نام J-Statistic بهره می گیریم. این آزمون دارای توزیع χ^2 (کای دو)، است. هرچه سطح احتمال بالاتر از ۰/۰۵ باشد، روش انتخاب شده مناسب تر است. زیرا متناظر با J کوچکتر است. در این مطالعه توزیع کای دو دارای درجه آزادی ۱۸۶ و آماره ۰/۰۰۰۶ می باشد؛ لذا خواهیم داشت که:

$$\chi^2_{186-5} = \chi^2_{181}, Prob = 1, 1 > 0.005$$

نتایج حاصل از آزمون سارگان نشاندهنده صحت مدل Panel GMM به کار گرفته شده است. با توجه به اینکه مدل به شکل Log - Log برآورد شده است، بنابراین ضرایب را می توان به صورت کشش تفسیر نمود. فقدان سرمایه اجتماعی بر توزیع درآمد اثر مثبت و معنی داری داشته است، به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی و افزایش آن می توند به کاهش نابرابری در توزیع درآمد کمک نماید. بنابراین فرضیه تحقیق مبنی بر تاثیر مثبت افزایش سرمایه اجتماعی بر کاهش نابرابری در توزیع درآمد در استان های کشور مورد تایید قرار می گیرد. از طرف دیگر افزایش نرخ بیکاری نیز موجب نابرابری در توزیع درآمد خواهد شد. به عبارت دیگر با افزایش بیکاری در جامعه نابرابری در توزیع درآمد افزایش خواهد یافت. در حالیکه اثر تورم بر ضریب جینی معنی دار نبوده است. همچنین افزایش درآمدهای مالیاتی بر توزیع درآمد اثر مثبت و معنی داری داشته است. براساس نتایج این تحقیق هر افزایش ۱۰ درصدی در سرمایه اجتماعی در کشور می تواند ۳/۹ درصد از نابرابری در توزیع درآمد را کاهش دهد. جالب است بدانیم که از بین متغیرهای تورم، نرخ بیکاری، درآمد مالیاتی و سرمایه اجتماعی متغیر سرمایه اجتماعی بیشترین تاثیر را بر نابرابری توزیع درآمد در کشور داشته است. همچنین با افزایش درآمدهای مالیاتی دولت توزیع درآمد عادلانه تر خواهد شد. به گونه ای که اگر دولت ها این افزایش درآمد را از طریق یارانه و سوبسید به خانوارهای کم درآمد توزیع کنند می تواند به بهتر شدن و عادلانه تر شدن توزیع درآمد در کشور کمک

¹ Sargant test

نماید. با هر افزایش ۱۰ درصدی در درآمدهای مالیاتی دولت تقریباً ۰/۷ درصد ضریب جینی کاهش می یابد. یا به عبارت ساده تر با هر افزایش ۱۰ درصدی در درآمدهای مالیاتی دولت ۰/۷ درصد نابرابری در توزیع درآمد کاهش می یابد. توجه داشته باشیم که یکی از روش هایی که کشورهای توسعه یافته برای عادلانه تر شدن توزیع درآمد استفاده می کنند استفاده از سیستم مالیات بر درآمد منفی است. در این روش دولت ها بجای اینکه از خانوارهای کم درآمد مالیات بگیرند و جوهری را به عنوان کمک (مالیات منفی) به آنها پرداخت می کنند. برای این منظور یک خط فقر تعیین شده و کسانی که بالای این خط فقر هستند مالیات مثبت می پردازند و در مقابل کسانی که پایین این خط فقر هستند از کمک های نقدی دولت بهره مند می شوند.

بحث و نتیجه گیری

موضوع سرمایه اجتماعی و تقویت بنیان های آن به مثابه عاملی موثر بر بهبود توزیع درآمد همواره مورد توجه اقتصاددانان بوده است. نتایج مطالعه حاضر نیز بیان گر این واقعیت است که: بهبود در شرایط سرمایه اجتماعی می تواند در ایجاد تعادل و توازن توزیع درآمد عادلانه بسیار موثر باشد. بنابراین همواره توصیه شده است که دولت ها برای افزایش سرمایه اجتماعی جامعه باید تلاش بیشتری انجام دهند. برای این منظور و برای تقویت سرمایه اجتماعی تقویت زیر ساخت های فرهنگی و اجتماعی، ارتقای انگیزه مشارکت طلبی و افزایش حس میهن دوستی و بهبود در شرایط اقتصادی و رفاهی جامعه باید مورد توجه دولت ها قرار گیرد. سرمایه اجتماعی یک مفهوم فرا رشته ای است و شاخص های متعددی دارد که از آن جمله: میزان مشارکت، میزان اعتماد، احساس امنیت و گسترش شبکه های اجتماعی است. بنابراین دولت ها می توانند با شرکت دادن بیشتر مردم در تصمیم گیری های اجتماعی، اقتصادی، تقویت و افزایش امنیت عمومی و ارتقای سطح اعتماد مردم زمینه گسترش سرمایه اجتماعی در جامعه را فراهم نمایند. این افزایش سرمایه اجتماعی نیز به نوبه خود می تواند زمینه کاهش نابرابری در توزیع درآمد را فراهم سازد. از طرف دیگر یکی از روشهای اقتصادی که می تواند باعث تعدیل در توزیع درآمد شود استفاده از روش سیستم مالیات بر درآمد منفی است. در این روش دولت ها بجای اینکه از خانوارهای کم درآمد مالیات بگیرند و جوهری را به عنوان کمک (مالیات منفی) به آنها پرداخت می کنند. برای این منظور یک خط فقر تعیین شده و کسانی که بالای این خط فقر هستند مالیات مثبت می پردازند و در مقابل کسانی که پایین این خط فقر هستند از کمک های نقدی دولت بهره مند می شوند.

منابع

۱. الوانی، سید مهدی، شیروانی، علیرضا (۱۳۸۳). سرمایه اجتماعی، اصل محوری توسعه. ماهنامه تدبیر، سال پانزدهم، شماره ۱۴۷، صص ۲۳-۱۶.
۲. بهشتی، محمدباقر، محمدزاده، پرویز، قاسملو، خلیل (۱۳۹۷). عوامل موثر بر نابرابری درآمدی در بین استان های ایران. فصل نامه پژوهش های برنامه و توسعه، دوره ۱، شماره ۱، زمستان، صص ۴۵-۱۳.
۳. حق شناس، علی اصغر، دلوی، محمدرضا، شفیعی، مسعود (۱۳۸۶). نقش سرمایه اجتماعی در توسعه. ماهنامه تدبیر، ۱۸۸.
۴. حیدری ساربان، وکیل (۱۳۹۷). اثرات سرمایه اجتماعی بر اقتصاد نواحی روستایی شهرستان آستارا. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال هفتم، شماره ۳، پیاپی ۲۵، پاییز، صص ۱۴۴-۱۲۳.
۵. دیزجی، منیره، آهنگری، گرگری، محدثه (۱۳۹۴). تاثیر توسعه مالی بر توزیع درآمد در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه. فصلنامه اقتصاد مالی و توسعه، سال ۹، شماره ۳۳، زمستان، صص ۱۰۳-۷۵.
۶. رنایی، محسن، مویدفر، رزیتا (۱۳۹۴). چرخه های افول - اخلاق و اقتصاد - سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران. انتشارات طرح نقد، چاپ اول.
۷. سپهر دوست، حمید، زمانه شبخانه، صابر (۱۳۹۲). نقش سرمایه اجتماعی در توزیع درآمد در مناطق روستایی کشور. فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۶، شماره ۱، بهار، صص ۱۴۸-۱۲۹.
۸. صامتی، مجید، سجادی، زهرا سادات (۱۳۹۱). تاثیر توسعه مالی بر نابرابری توزیع درآمد، مطالعه موردی منتخبی از کشورهای در حال توسعه. پژوهشنامه اقتصاد کلان، سال هفتم، شماره ۱۴، صص ۱۵۰-۲۹.

۹. صفدری، مهدی، کریم، محمد حسین، خسروی، محمدرسول. (۱۳۸۷). بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران. فصلنامه اقتصاد مقدری، دوره ۵، شماره ۲، تابستان، صص ۳۹-۶۱.
۱۰. قدسی راد، حمیدرضا، موسایی، میثم، ساروخانی، باقر. (۱۳۹۸). تاثیر توسعه اقتصادی بر نابرابری اجتماعی در کلان شهر تهران. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ۱۲، شماره اول، زمستان، صص ۷-۲۱.
۱۱. گجراتی، دامور. (۱۳۸۹). مبانی اقتصاد سنجی (جلد دوم). ترجمه حمید ابریشمی. تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. مکیان، سید نظام الدین. کربلایی باری، فریبا، بهرامی، فرشته. (۱۳۹۷). سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی، مطالعه مقایسه ای بین کشورهای با سرمایه اجتماعی بالا و کشورهای با سرمایه اجتماعی پایین. فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان، ۷-۶-آنلاین.
۱۳. موسوی، سیده لیلا، ساعی، احمد، طاهری، ابوالقاسم. (۱۳۹۸). تاثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر سرمایه اجتماعی در ایران. مدیریت سرمایه اجتماعی، دوره ۶، شماره ۴، زمستان، صص ۴۹۷-۵۱۹.
۱۴. مهدوی، ابوالقاسم، عزیز محمدلو، حمید. (۱۳۹۷). تحلیل عوامل کلان موثر بر فرایند انباشت سرمایه اجتماعی در ایران. فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۲۵، شماره ۹۳، بهار، صص ۵-۴۲.
۱۵. میرشجاعی، فخری. (۱۳۸۸). مجموعه پژوهش های اقتصادی بانک مرکزی - اداره بررسی ها و سیاست های اقتصادی، شماره ۳۵.
۱۶. نجارزاده، رضا، مهدوی راسخ، الهام. (۱۳۸۹). بررسی تاثیر جهانی شدن بر توزیع درآمد در کشورهای عضو گروه D8. فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، سال ۱۴، شماره ۵۴، صص ۸۷-۱۱۰.
۱۷. هادی زاده، آرش. (۱۳۹۷). بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر درآمد مالیاتی استان های ایران با استفاده از رویکرد پنل دیتا. پژوهش نامه اقتصاد کلان، دوره ۱۳، شماره ۲۶، صص ۱۴۷-۱۶۹.

1. Algan, Y. & Cahuc, P. (2010). Inherited Trust and Growth. *American Economic Review*, 100(5), 2060-2090.
2. Anchorena, J. & F. Anjos (2008). Social Ties and Economic Development. MPRA Working Paper, No. 35322.
3. Blank, R. Blinder, A. (1986). Macroeconomics, income distribution and poverty, In: S. Danziger and D. Weinger (eds.) *Fighting poverty: what works and what Doesn't*, Cambridge, MA, Harvard University Press.
4. Coleman, J.S. (1998). Social Capital in Creation of human capital. *American Journal of Sociology*, 94, s, 95, s121.
5. Eklinder-Frick, J., Erikson, L. T. & Hallen, L. (2014). Multidimensional Social Capital as a Boost or a Bar to Innovativeness. *Industrial Marketing Management*, 43(3), 460-472.
6. Francis, F. (1999). Social Capital and Civil Society. Conference on second Generation Reform.
7. Kim, B. Y. & Kang, Y. (2013). Social Capital and Entrepreneurial Activity a Pseudo Panel Approach. *Journal of Economic Behavior and Organization*, 97, 47-60.
8. Liu, B. Wei, Y. Chirstopher, A.S. (2017). Social capital race and income inequality in the United States. *Sustainability Journal*. 49, 248.
9. Parente, F. (2019). Inequality and Social capital in the Eu regions: a multi-dimensional analysis. *Regional studies, Regional science*, Vol.6, Issue1.
10. Robinson, L.J; Schmid, A.A; and Siles, M.E. (2002). Is social capital really a capital? , *Review of Social Economy*. vol.9, No.1.